



JEAN - CLAUD BERTON

تاریخ ادبیات و اندیشه در فرانسه قرن بیستم (۵)

دریچه

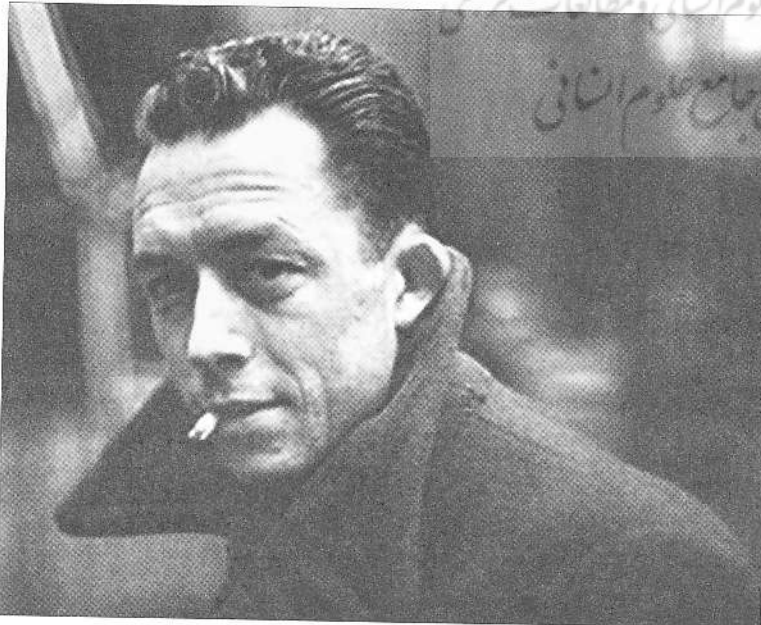
انسان شورشی

۱۹۳۹-۱۹۴۵

در سوم سپتامبر ۱۹۳۹ فرانسه به آلمان اعلان جنگ می‌کند که خطرات ناشی از این اعلان جنگ به تدریج به تمام اروپا گسترش می‌یابد. دومین جنگ جهانی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر آینده دنیای می‌گذارد و در عین حال، جنگ‌موجهاتی برای نیم قرن تولیدات متعدد ادبی و سینمایی فراهم می‌سازد.



Albert Camus



Jean - paul sartre



۱. نویسنده‌ها در پیکار

ترک وطن - بسیاری از نویسنده‌ها دست به تبعیدی خود خواسته می‌زنند، چه آن‌ها که یهودی هستند (ژول رومن و آندره موروآ) چه آن‌ها که به ارتش امریکا پیوسته‌اند (ژولین گرین) و چه کسانی که به دلایل سیاسی چنین تصمیمی گرفته‌اند (برنانو، برتوتون، سن ژون پرس).

قربانیان - «ژان پره ووست» رساله‌نویس ارزشمند (آفرینش از نظر استاندال ۱۹۴۲) در همان روزی که «آنتوان دو سنت اگزوپری» در مدیترانه ناپدید شده به وسیله آلمانی‌ها تیرباران می‌شود. «دانسون» و «ماکس ژاکوب» قربانیان تبعید هستند. «روبر برازیلاش» نویسنده این‌گونه زمان می‌گذرد - ۱۹۳۷ و هفت رنگ - ۱۹۳۹ در فرسنگ زندانی و به خاطر همکاری با دشمن تیرباران می‌شود. شارل موراس به حبس ابد با اعمال شاقه محکوم می‌شود.

تبعید - اما هنگامی که میلیون‌ها نفر در اردوگاه‌های نازی‌ها جان می‌بازند چه‌گونه می‌توان طفره و رفتن و گریز از حقیقت را پذیرفت؟ شهادت‌ها درباره وضعیت اردوگاه‌ها وحشت‌آفرین است «پی‌بر گاسکار» در روزگار مردگان - ۱۹۵۳ حکایت دردناکی را از زمان اسارتش در اردوگاه راوا - روسکا به رشته تحریر درمی‌آورد و «ژان کاپرول» که به ماتوسن تبعید شده شعرهای شب و مه - ۱۹۴۷ را می‌سراید.

نهضت مقاومت - در سال ۱۹۴۲ سیصد و پنجاه نسخه از حکایت کوتاهی به نام «سکوت دریا» به طور مخفیانه چاپ می‌شود. خالق آن ژان بروله (... - ۱۹۰۲) نام باشکوه «ورکور» را برای این اثر باشکوه انتخاب کرده بود که در سال ۱۹۴۴ نتانتری درباره پیکار قهرمانانه بین گروه‌های نهضت مقاومت و آلمانی‌ها می‌شود. بعضی از صفحات مترجم و تأثیربرانگیز سکوت دریا داستان مقاومت خاموشی را نقل می‌کند که در آن یک پیرمرد و دختر برادرش سعی می‌کنند بر مهمان‌شان که یک افسر آلمانی است و می‌خواهد رابطه تفکیک‌ناپذیر دو ملت همسایه و دو فرهنگ نزدیک را بر هم بزنند فائق آیند.

برای روزه ولاند ۱۹۶۵ - ۱۹۰۷ آن‌گونه که در مضحکه قمار - ۱۹۴۵ نقل می‌کند نهضت مقاومت موقعیت پرشوری در یک زندگی دشوار است.

شاعران بسیاری از شجاعت و شهادت رزمندگان نهضت مقاومت تمجید کرده‌اند: آراگون در «شیپور بیدارباش فرانسه»، پل الوار در «ملاقات با آلمان» و پی‌یر امانوئل در «روزهای خشم».

قهرمانان - این نسل تحت‌تأثیر شخصیت ژنرال دوگل ۱۹۷۰ - ۱۸۹۰ قرار دارد که کتاب «خاطرات جنگ» او گواه بر استعداد درخشان نویسنده‌اش است.

ژول روی (... - ۱۹۰۷) که شغل نظامی دارد به ارتش انگلیس می‌پیوندد و حملات هوایی متهورانه‌ای را به اجرا می‌گذارد. شعرها و رمان‌هایش از دوستی و شجاعت تمجید می‌کنند. رومن گاری اخلبان دیگر از نیروهای فرانسه آزاد ۱۹۸۱ - ۱۹۱۴ در کتاب تربیت اروپایی - ۱۹۴۵ نهضت مقاومت فرانسه را به تصویر می‌کشد.

زندگی و آثار سنت دو اگزوپری به شکل عمیقی جوان بعد از جنگ را نشان می‌دهد.

دریچه

جنگ

G بعد از ۹ ماه جنگ فرسایشی، آلمان‌ها در ۱۴ ژوئن ۱۹۴۰ وارد پاریس می‌شوند. اشغال آغاز می‌شود. در حالی که مارشال پتن قرارداد ترک مخاصمه را امضاء می‌کند ژنرال دوگل از لندن فرانسوی‌ها را به پیکار علیه اشغالگران ترغیب می‌کند. در ۶ ژوئن ۱۹۴۴ نیروهای متحدین با کمک نهضت مقاومت در نورماندی پیاده می‌شوند. رایش سوم سقوط می‌کند. اما جنگ در خاور دور ادامه می‌یابد. در ۶ اوت ۱۹۴۵ یک بمب افکن امریکایی اولین بمب اتم را روی هیروشیما می‌اندازد.

آلبر کامو که در «طاعون» نشان می‌دهد در جنگ با یک بیماری فراگیر، ترس و همبستگی به اندازه هم می‌توانند ایجاد شوند و آوزن یونسکو در «کرگدن» تبدیل شدن انسان به حیوان وحشی را توصیف می‌کند فهمیده‌اند که فطرت انسانی تضمینی

دریچه

برای بقای ریشه‌اش نیست و می‌تواند در ذات خود به تخریب مفرط کشانده شود.

نشانه‌ها

G از ای‌موند کارتیبه تا ای‌موند آرون یا هاتری آموروکس بررسی‌های تاریخی درباره وقایع جنگ و درباره زندگی روزمره بسیار متعدد هستند. می‌توان توالی وقایع را به کمک برخی از رمان‌هایی که ذهنیت‌ها و واکنش‌ها را در قلب تندباد حوادث بازآفرینی کرده‌اند از نو ترسیم کرد.

ژان - لویی کورتی خلع سلاح اندیشه‌ها را در زمان اشغال و به هنگام آزادی به رشته تحریر درمی‌آورد. جنگ‌های شب - ۱۹۴۷. روستای من در زمان آلمان‌ها - ۱۹۴۵، از ژان لویی بودی، اروپایی بی‌شهنشین - ۱۹۴۹ و نشانه‌ای در زمستان - ۱۹۵۹ از آنتوان بلوندن، تعطیلات در زویدکوت - ۱۹۴۹ از روبیر مرل و Au bon beurre



آنتوان دو سنت اگزوپری (۱۹۲۴ - ۱۹۰۰) «العالمات فریبگی

رتال جامع علوم انسانی

صحرا و سپهر - آنتوان دو سنت اگزوپری قبل از استخدام در هوانوردی شکاری خیال مدرسه هنرهای زیبا را در سر می‌پروراند. او در سال ۱۹۲۹ با کتاب «پست جنوب» شغلش را به عنوان نویسنده آغاز کرد. دوره قهرمانی در فتوحات هوایی است و «سنت - اگز» در مرز بین آسمان و زمین به تمایلات حادثه جویانه‌اش پاسخ می‌گوید.

آسیب‌پذیری هواپیما و خدمه‌اش در پهنه آسمان لزوم تعاون تزلزل ناپذیر بین انسان‌های مسئول را به او بیشتر ثابت می‌کند. این موضوع پرواز شبانه - ۱۹۳۱ است.

زمین انسان‌ها - ۱۹۳۹ تمرکز روی هستی، مفهوم زندگی و تنهایی است: «ما به وسیله زمین بیشتر خودمان را می‌شناسیم تا با کتاب‌ها». برای خلبان، روستاهایی که در شب می‌درخشند حضور بیدار یا خفته انسان را آشکار می‌کنند و نیاز ارتباط با او را بر می‌انگیزانند.

سنت اگزوپری که خود در جنگ حضور دارد در سال ۱۹۴۲ «خلبان جنگ» را می‌نویسد. در ۱۹۴۳ قصه‌ای را که خودش نقاشی‌هایش را کشیده چاپ می‌کند. در شازده کوچولو سخن از دوگانگی است. شازده کوچولو جذاب، زندگی را برای آده بزرگ‌ها توضیح می‌دهد. به واسطه سادگی پری‌وار این «ملاقات شگفت‌انگیز با زندگی» و ظهور کودکی مو طلایی بر خلبانی که هواپیمایش در بیابان سقوط کرده راز و رمزهایی از درس‌های ارزشمند عشق و جوانمردی به تصویر کشیده می‌شود.

۱.۲ اگزیستانسیالیسم

جنگ به پایان می‌رسد و جنبش دیگری با پسوند ایسم و با همان اهمیتی که سورئالیسم بعد از سال ۱۹۱۸ داشت ظهور می‌کند: اگزیستانسیالیسم اما جوهره این جنبش شاعرانه نیست بلکه ماهیتی فلسفی دارد.

برای درک اگزیستانسیالیسم باید دانست که این مکتب به وسیله استادان فلسوفی چون ژان پل سارتر - بانی جریان - و سیمون دوبوار و یا به وسیله نویسندگانی چون آلبر کامو که به دلیل استقلال اراده‌شان ناگزیر به انکار هدف آن بوده‌اند مطرح شده است.

مدرسه عالی نورمال نقش زائدالوصفی در ادبیات فرانسه داشته است. پل نیزان ۱۹۴۰-۱۹۰۵ در این مدرسه همکار ژان پل سارتر است. این استاد فلسفه و طرفدار حزب کمونیست، این پیکارگر شورشی و نویسنده سگ‌های نگهبان - ۱۹۳۲ در نبرد جان می‌بازد.

مدافع دیگر فلسفه و شورشی دیگر سیمون ویل ۱۹۴۳-۱۹۰۹ پیکارهای کارگری را توصیف می‌کند. او به فرانسه آزاد ملحق می‌شود و در سلسله‌ای از محرومیت‌ها در لندن جان می‌بازد.

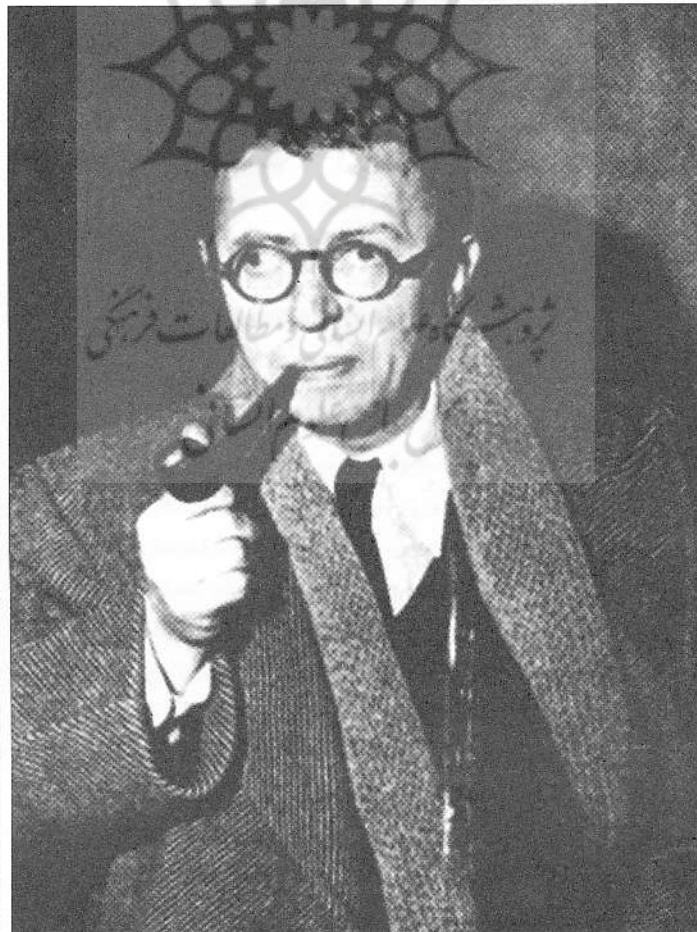
ژان پل سارتر و سیمون دوبوار نقشی را که مدرسه عالی نورمال در تولد و گسترش اگزیستانسیالیسم بازی می‌کند توضیح می‌دهند.

ژان پل سارتر

۱۹۰۵-۱۹۸۰

وجود برابر - انتشار «تهوع» در سال ۱۹۳۸ واقعه بسیار مهمی در تاریخ اگزیستانسیالیسم است. این نظریه فلسفی که بدعت‌گذار آن فیلسوف دانمارکی سئورن کی‌یر کگارد ۱۸۵۵ - ۱۸۱۳ بود و فیلسوف‌های آلمانی کارل یاسپر ۱۹۶۹ - ۱۸۸۳ و مارتین هایدگر ۱۹۷۶ - ۱۸۸۹ آن را ادامه دادند، در فرانسه و به وسیله ژان پل سارتر شکل ویژه‌ای به خود گرفت و از تئوری انتزاعی تبدیل به تجربه‌ای عینی شد. به همین دلیل است که اگزیستانسیالیسم نه فقط در آثار صرفاً فلسفی ژان پل سارتر بلکه در رمان‌ها و نمایشنامه‌هایش نیز مطرح می‌شود.

اندیشه فلسفی به طور مرسوم به ایده‌های انتزاعی توجه دارد. (ایده‌های مربوط به ریاضی یا ایده زیباشناسی) برعکس، اگزیستانسیالیسم به شرایط



دریچه

- ۱۹۵۲ از ژان دوتور جنگ را به تفصیل حکایت می‌کند. جنگ سوز‌های بسیاری را در خود ذخیره می‌کند.

آزادی تحت کنترل

بسیاری از روزنامه‌ها در زمان اشغال تعطیل می‌شوند و بعضی هم با اشغال‌گران همکاری می‌کنند. سانسور، نازی‌ها، مطبوعات، نشر، سینما و رادیو را تحت کنترل می‌گیرد، نویسندگان یهودی مثل پروست و برگسون ممنوع القلم هستند.

آثاری که چاپ می‌شوند یا باید از دشمن مجوز داشته باشند یا به‌طور مخفیانه چاپ شوند. به این ترتیب در ظاهر آثار ادبی اهدافی پنهان نهفته می‌شود. در سال ۱۹۴۴ وقتی که «آنتی‌گونه» ژان آنوی عرضه می‌شود پرسوناژ کژنون تجسمی از دولت ویشی و آنتی‌گونه سمبلی برای نهضت مقاومت است.

در سال‌های دهه ۳۰ نویسندگانی درگیر پیکارهای

دریچه

سیاسی هستند و در سال‌های دهه ۴۰ آن‌ها مستقیماً وارد نبرد می‌شوند.

عمل فرانسوی

G یکی از نتایج جنگ از بین رفتن جنبش «عمل فرانسوی» بود که به وسیله شارل موراس و لئون دوده و در گِرودار مهم ماجرای دریفوس پایه‌ریزی شده بود. این جنبش سلطنت‌طلبانه که کم‌تبدیل به سخنگوی پرشوری برای ناسیونالیسم افراطی شد و با نگرانی نسبت به امنیت سیاسی و میهنی برنامه‌های ارتجاعی و ضد یهودی را با جدیت پیش می‌راند.



عینی (آن‌چه مربوط به زندگی روزمره انسان است) و به تجربه‌های مربوط به تأثرات روحی بی‌واسطه (تنهایی، ناامیدی انسان آلوده به دنیا، اضطراب، دلزدگی) علاقه‌مند است. آگزیستانسیالیسم که پدیده‌ای اروپایی است از سال‌های دهه ۱۹۲۰ تمایل می‌یابد تا در اندیشه فلسفی دکارتی بویایی را که بیشتر به واقعیت نزدیک است به شکلی هوشمندانه جایگزین کند. به همین دلیل است که روکانتن قهرمان کتاب تهوع سارتر، وجود خود و هر آن‌چه مربوط به مسائل روزمره است را از عکس‌العمل‌های درونی و جدا از اندیشه صرفاً منطقی تجربه می‌کند.

آن‌چه مقدم است حقیقت وجود داشتن و احساس کردن حضور خود در این دنیا و بر روی این زمین است. جوهر و عمق واقعیت ما از اعمال ما ناشی می‌شوند: من به دنیا پرتاب شده‌ام، من خودم را می‌سازم و در عین حال خودم را جعل می‌کنم. من حیث‌المجموع، سرشت من محصول تمام و کمال آزادی من است. به این دلیل است که سارتر معتقد است که وجود مقدم است و جوهر را خلق می‌کند. (من خود را از میان موقعیت‌های مختلفی چون ترس، شجاعت، پرکاری، تنبلی و غیره خلق کردم).

پندارها در مورد تقدیر و جبر مورد انکار قرار می‌گیرند: دیگر جز «موجوداتی» که در حال شدن خویش باشند وجود ندارد. به همان نسبت که هر آن ممکن است چیزی اتفاق بیفتد یا نیفتد به همان اندازه وابسته به انتخابی است که مبتنی بر آزادی آن‌هاست.

اما چنین روندی خطراتی دربر دارد. این آسیب‌پذیری انسانی را که از تجربه جدید آزادی بیم دارد تشدید می‌کند و نسبت

به کسانی که می‌بایست برای خود تصمیم بگیرند ناامید است. این می‌تواند به ایجاد احساس تنهایی یا عدم ارتباط با دیگران منجر شود که این موجود بیگانه به همنوعانش منتقل می‌کند و خطر فرو غلتیدن او در اضطراب پوچی وجود دارد. بنابراین لزوم تغییر شکل یافتن اگزیستانسیالیسم به انسان‌گرایی واقعی احساس می‌شود.

فلسفه و رمان - ژان پل سارتر عضو مدرسه نوزمال و استاد فلسفه در جریان تحصیلات و سمت استادی‌اش شناخت عمیقی از فیلسوفان بزرگ به دست آورد.

وقتی در آلمان بود ۱۹۲۴-۱۹۲۳ در انستیتوی فرانسه شهر برلین کلاس‌های فلسفه آلمانی ادموند هوسرل ۱۸۵۹-۱۹۳۸ را پشت سر گذاشت که پایه‌گذار پدیدشناسی^۲ بود. تحقیقات این فیلسوف تأثیر قابل توجهی روی ژان پل سارتر گذاشت. سارتر عناصر نظریه‌اش را در اثر مهمی به نام موجود و پوچی - ۱۹۴۳ شرح داده است. اما در سال‌های تب‌آلود بعد از جنگ که نسل جوان در انتظار پاسخ گرفتن نسبت به تمایلات همچنان مضطرب خویش به سر می‌برد و در شور برحق آزادی است، سارتر با انتشار «تِهوع» خودش را به عنوان استاد اندیشه تحمیل می‌کند.

داستان رمان تِهوع در شهرستان اتفاق می‌افتد. جایی که سارتر زندگی کرده است. اول در روشل که در سال ۱۹۱۶ با مادرش در آن‌جا بود. سپس هاوز که در آن‌جا تدریس می‌کرد و در کتاب با نام بوپیل آن را توصیف می‌کند. آنتوان روکانتن قهرمان داستان از شرایط متوسطی که دارد خشنود است و این برای سارتر فرصتی است تا کارکاتوری از سلسله مراتب اجتماعی و نورژواری که از آن بیزار است ارائه کند.^۳ روکانتن در می‌یابد که مردم احتیاج دارند با هم زندگی کنند و برای وجود داشتن باید «چند نفر با هم» باشند در حالی که او کاملاً تنهاست و مشغول نوشتن یک پیوگرافی تاریخی است. یک روز احساس می‌کند میل به استفرغ و تِهوع^۴ دارد. احتیاج به زمان زیادی دارد تا آن را مثل یک «وحی» و «وضوحی خیره‌کننده» توصیف کند. هر چه در اطرافش وجود دارد و به ویژه اشیاء به او احساس وجود داشتن القاء می‌کند: «من تصادفی پدیدار شده بودم و مثل سنگ، گیاه یا میکروب وجود داشتم. زندگی‌ام به سوی خوشبختی ساده و همه‌جانبدای پیش می‌رفت».

او در دفتر خاطراتش فهرست اعمال روزمره‌اش را می‌نویسد که به تدریج حقیقت را آشکار می‌کند و «من وجود دارم» به طور خستگی‌ناپذیری صفحه به صفحه تکرار می‌شود و راز موجودیت به جنگ آمده‌اش «در حال تولد» است. سارتر بعدها رساله‌اش را دربارهٔ بودلر ۱۹۴۷ با این کلمات به پایان می‌رساند: «انتخاب آزادی که انسان از خودش ارائه می‌دهد به طور مطلق به آن چه سرنوشت می‌نامیم همانند است».

موضوع سه رمان (سن عقل ۱۹۴۵ - تعلیق ۱۹۴۵ - مرگ در روح ۱۹۴۹) که سارتر آن را با عنوان «جاده‌های آزادی» یک‌جا گردآورده چنین است: او توضیح می‌دهد که احساس وجود بدون عمل گروهی پوچ است. او می‌کوشد روحیه الحادی و ضد همنوگرایی آزادی را توصیف کند. پیش از آن پنج نوول در مجموعه دیوار - ۱۹۲۹ ارائه داده بود که تصویری متأثرکننده از شرایط انسانی و اختیاراتی هولناک در برابر اختیارات آزادی که جایگاه انسان را دآوری می‌کنند بود.

تئاتر - نمایشنامه‌های سارتر همان ایده‌ها را با شور بیشتری بیان می‌کنند. در «مگس‌ها» - نمایشنامه‌ای که در زمان اشغال آلمانی‌ها



دریچه

G شخصیت شارل موراس، یکی از بزرگ‌ترین نیروهای روشنفکری قرن بیستم، نویسندگان بسیاری را به سوی جنبش «عمل فرانسوی» جذب می‌کند: بسیاری از نویسندگان کاتولیک (به استثنای کلودل و موریاک) از فاسیست‌ها (در یولا روشل) و از ضد یهودها (مارسل ژواند و لویی فردیناند سلین) که او را به چشم ناجی فرانسه می‌نگریستند.

G حوادث بر «عمل دلالت می‌کند: جنگ ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸، بحران‌های سیاسی و رسوایی‌های مالی از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۳، پیکار علیه جنبه مردمی از ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۶، «عمل فرانسوی» در جریان جنگ اسپانیا قتل‌عام گورنیکا را توجیه می‌کند و پیروزی فرانکو را تحسین می‌کند. اما این جنبش در ۱۹۲۶ به نبرد با واتیکان برمی‌خیزد و به آن از زاویه دید آلمانی‌ها نگاه می‌کند که باعث بحرانی درونی

دریچه

نزد طرفداران کاتولیک‌ها مثل ژرژ برناتو و ژان دولا وارد می‌شود.

عمل فرانسوی

G عمل فرانسوی اساساً ضد یهود است: «انقلاب از کجا می‌آید؟ انقلاب از یهود ناشی می‌شود» (هجونامه ۱۹۳۶). او در یهودیت - از در یغوس تا لئون بلوم تهدیدی علیه ملت می‌بیند. این وضعیت ضدیهودی در فرانسه به وسیلهٔ ژک دولا کرتل در «سیلبرمن» توصیف شده است. عمل فرانسوی با موراس آغاز شد و با او به پایان رسید. خودکشی در یولا، روشل، اعدام روبر برزیلاش و محکومیت شارل موراس حکم مرگ جنبشی را امضا می‌کنند که به ناجار بین مقاومت و همکاری گرفتار آمده بود.

خلق شده است - اورست به مبارزه با خدایان و ظالمان کشیده می‌شود. سارتر نه تنها فریاد طغیان علیه رژیم سر می‌دهد که به خشونت رفتار می‌کند بلکه در برابر هر نوع ستمی ندای آزادی سر می‌دهد. اورست به وسیلهٔ «مگس‌ها» الهه‌های یونانی انتقام - Les Erinyes - را تعقیب می‌کند، خطاها و ندامت‌ها متوجه او می‌شود تا دیگران بتوانند برای زندگی کردن تلاش کنند. «مرده‌های بدون گور» و «فاحشهٔ محترمه» درام سیاسی دست‌های آلوده - ۱۹۴۸ را تدارک می‌بینند آن‌گاه که دوایدنولوزی عملاً در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند.

«اونه دره»ی مبارز که از «آلوده شدن دست‌ها» هراسی ندارد با دغدغه‌ای از تأثیر سیاسی (او توفیق اقداماتش را ارجح می‌داند) رفتار می‌کند. دربارهٔ هوگو باید گفت که یک ایده‌آلیست ناب و یک رئالیست است. نمایشنامه‌هایی که بعد از آن ارائه شد (شیطان و خدای خوب، نکراسوف، گوشه نشینان آلتونا) از لحاظ بار تراژیک تا این حد موفق نبودند.

سارتر در سال ۱۹۶۴ خاطرات دوران کودکی و جوشش تمایلات فلسفی‌اش را در کتاب «کلمات» به رشته تحریر درمی‌آورد و در هفت جلد کتاب با نام «وضعیت» متن‌هایی را جمع‌آوری کرده که ترازنامه تجربه ادبی و سیاسی‌اش محسوب می‌شوند. ژان پل سارتر نویسندهٔ «روزگار مدرن» - مجله‌ای که پایه‌گذاری کرد - تنورسین، رمان‌نویس و نمایشنامه‌نویس همان اخلاق عملی و همان آزاد باقی خواهد ماند که جوهرهٔ انسان‌گرایی امروز را در آن می‌دید.

آلبر کامو

۱۹۶۰-۱۹۱۳

وسوسهٔ آفتاب - آلبر کامو علاقهٔ به دریا و آفتاب را مدیون دوران کودکی‌اش در الجزایر است. او تا به آخر به سرزمین الجزایر وفادار باقی ماند و در اکثر آثارش با عشق و شور آن را ستایش می‌کند. اما در عین حال جنگ الجزایر برایش تبدیل به درام دلخراشی می‌شود. دعوت او برای ترک مخصصه در سال ۱۹۵۶، وقایع‌نگاری الجزایر ۱۹۵۸ گواه بر این ادعاست. آلبر کامو در چهارم ژانویه ۱۹۶۰ در تصادف اتومبیل کشته شد و بر عاقبت خصومتی که مبنای تأثرآوری داشت و او را آزار می‌داد آگاهی نیافت. پوچی - کامو از دوران کودکی



دریچه

سیمون دو بووآر

Gارتباط باهمنوع - سیمون دو بووآر همسر سارتر پیش از هر چیز در جست‌وجوی بودن خویش است. او در جست‌وجوی واقعیت زنانه خویش اثر عمیقاً بدیعی خلق می‌کند و رنگ‌مایه شخصی به آگزیستانسیالیسم می‌بخشد. ساختار فلسفی‌اش راه‌وشمندانه با ظرفیت رمان‌نویسی‌اش ترکیب می‌کند. او برای خلق اثر هنری تلاش نمی‌کند بلکه «زندگی را با دلیس‌تگی‌هایش، تیرهب‌حتمی‌هایش و غیرمترقبه‌هایش» به تصویر می‌کشد. «دوبووآر» که همچون سارتر استاد فلسفه است زندگی مشترکی را با او پیش می‌گیرد که منجر به طرد کردن اصل و نسب بوورژوازی‌اش می‌شود. آثار فلسفی، رمان و اتوبیوگرافی‌هایش به ایده آزادی و مرگ می‌پردازد و مسائل استقلال و ارتباط با دیگران در آن‌ها بیشتر به

سلامتی شکننده‌ای را به اربت برده بود که مانع حضور در امتحانات کنکور برای معلمی فلسفه در دبیرستان‌ها می‌شد. در سال ۱۹۴۰ به پاریس رفت و به عنوان نویسنده گالیمار مشغول به کارهای خبرنگاری شد. او در سال ۱۹۴۴ با سارتر ملاقات می‌کند. تجربه ویژه «مورسو» در بیگانه - ۱۹۴۲ نمونه‌ای از تفکر پوچی است. مورسو جوان الجزایری به خاطر شرایط پیش پا افتاده زندگی روزمره‌اش به این یقین رسیده است که دیگر شبیه به دیگران نیست و با آن‌ها «بیگانه» شده است. چون دیگر خودش را با ارزش‌های تصنعی و اخلاقی جامعه هماهنگ نمی‌بیند خودش را روی نیمکت متهمان می‌یابد. یک روز در کنار دریا و در زیر آفتاب کورکننده تابستان با شلیک چهار گلوله تیانچه یک عرب را می‌کشد و این‌گونه بر «دروازه تیربختی» می‌کوبد. اداره دادگستری با حیرت عجیبی به جست‌وجوی انگیزه‌ها و طرح قبلی این قتل کاملاً بی‌دلیل برمی‌آید. مورسو در می‌یابد که قاضی‌ها با توجه به فهرستی از زندگی گذشته او با رجوع به نرماه‌های موجود در زندگی، وی را متهم می‌کنند. نهایتاً عدم درک و تناقض حاکم می‌شود. مورسو به خاطر وجود مشابهت‌ها محکوم می‌شود و نه به دلیل انجام جنایت. اما چون متفاوت با آن‌هاست می‌تواند با این احساس بمیرد که با آن‌ها بیگانه است. دلایل آن‌ها دیگر ربطی به او ندارد.

بنابراین پوچی از یک وضعیت متفاوت یکی شخصی متولد می‌شود: عدم وجود تکیه‌گاه که این شرایط بین انسان و هم‌نوعانش خلق می‌کند او را به دنیایی عاری از قوانین رایج اخلاقی پرتاب می‌کند. این ایده برنمایشنامه‌هایی مثل کالیگولا (نوشته شده در ۱۹۳۸) یا سوءتفاهم - ۱۹۴۴ و رساله‌ای به نام اسطوره سیزیف - ۱۹۴۲ حکومت می‌کند. سوءتفاهم» مثل «بیگانه» داستانی تراژیک دارد. مادری بی‌آن که بداند پسرش را به جای غربیه‌ای به قتل می‌رساند. نمایشنامه درامی درباره تلهایی موجود انسانی و خیانت و «سوءتفاهمی» است که آرزوهای فریبنده به سوی خوشبختی برای او



ترسیم می‌کنند. سیزیف تیز سمبل تهی بودن هستی و بیهودگی اعمال است. موجودی محکوم به بالا بردن دائمی سنگی بر قلّه کوه است و سنگ در هر نوبت به پایین فرو می‌غلند. اما آیا مفهوم زندگی او مبتنی بر این تلاش مکرر نیست؟

طغیان - انسان با آگاهی یافتن بر پوچی درباره سرنوشتن پرسش می‌کند و از درس‌هایی که تاریخ به او می‌دهد سود می‌برد و از خود می‌پرسد که آیا برای بهبود بخشیدن لزوم بر طغیان نیست؟ کامو در انسان شورشی - ۱۹۵۱ سعی می‌کند داستانی از همه طغیان‌های متفاوتی، سیاسی، ادبی و هنری بازگو کند و ورائی «اندیشه نیمروز» بیهیسیسم اندیشه‌ای را جست‌وجو می‌کند که ما می‌نایست متوجه آن باشیم. تصویر خورشیدی که در وسط آسمان قرار دارد برای کامو بیان سمبلیک امیدی است که در زمان آویخته است و اندیشه‌ای است که بر آتش‌فشان‌هایی از روشنایی در پرواز است.

کامو می‌خواست به جای پوچی که انسان در تنهایی‌اش با آن قرین است اخلاق انسانی را که

دریچه

چشم می خورد.

در رساله‌هایی که به فلسفه آگزیستانسیالیسم اختصاص می‌دهد (بیروس و سینه‌آ ۱۹۴۴، به خاطر آیین ابهام ۱۹۴۷) مسئله فردگرایی را طرح می‌کند. آیا انسان ارزش مطلق دارد؟ آیا او به تنهایی قدرت بنا کردن موجودیت خویش را داراست؟ یا وابسته به سایرین است و نمی‌تواند آزادی‌اش را جز در میان آن‌ها به بوته آزمایش بگذارد؟ «انسان وجودش را به وسیله جنبشی توجیه می‌کند که این جنبش از قلب او سرچشمه می‌گیرد اما به بیرون از خودش منتهی می‌شود.» این تفکر چهار رمان او (میهمان ۱۹۴۳، خون دیگران ۱۹۴۵، همه او بارها احساسش را درباره مرگ بیان می‌کند: «مرگ طبیعی وجود ندارد، هیچ‌یک از چیزهایی که برای انسان اتفاق می‌افتد طبیعی نیست چرا که حضورش دنیا را زیر سؤال می‌برد.» در جنس دوم - ۱۹۴۹ درباره ارتباط زن با مرد و رهایی زن پرسش می‌کند.

همراه با همیاری و سخاوت است جایگزین کند. کامو در طاعون - ۱۹۴۷ که قصه تخیلی از بیماری فراگیر شهر اوران و توصیف مناسبی از ستم‌های روزگار ماست، قدرت‌های ظریف انسان را در مقابل بدی و ارتباط او با همنوعانش را مجسم می‌کند. بعضی اشخاص که گرفتار بلایا می‌شوند از آن بهره‌برداری می‌کنند و بعضی به آن تن می‌دهند.

آلبر کامو برای جایگزین کردن نگرش پوچ دنیا به وسیله روحیه منطبق با انسان روزگارش به جست‌وجو می‌پردازد: «نظربلندی واقعی نسبت به آینده یعنی همه چیز را وقف زمان حاضر کردن».

مرگ خوشبخت - در سقوط - ۱۹۵۶، تبعید و موطن - ۱۹۵۷ به مؤاخذه واقعی علیه بدی و خشونت‌هایی که در جامعه مایوس حاکم می‌شود می‌پردازد. با این حال آثار آلبر کامو آثاری بدبینانه جلوه نمی‌کند. او نگران انسانی است که تفاوت را مطالبه می‌کند و دیگرانی که راه علاج او را که طغیان است محکوم می‌کنند. تمام بدبختی‌ها همچون طاعون قلب انسان‌ها را عوض می‌کند. همه پندارها باید به پیشرفت انسان و به «هر مقاومتی علیه استبداد» خدمت کند.

آلبر کامو در عروسی‌ها - ۱۹۲۸ و در تابستان - ۱۹۵۴ از «عروسی‌ها» با زمینی که به وسیله خدایان مسکونی شدند و با افسنطین‌های وحشی در بهار معطر شده سخن می‌گوید و از دریای «زردپوش نقره‌ای» می‌نویسد. او می‌گوید: «همیشه احساسم این بوده که بر فراز دریا زندگی می‌کنم و به‌رغم خوشبختی شاهانه مورد تهدید بوده‌ام.» آیا نفس کشیدن او در این خوشبختی موجب تحقق «مرگ خوشبخت» شد که مدت‌ها آن را در خیال می‌پروراند؟

ادبیات و فلسفه - همان‌طور که ژک برونه می‌نویسد «کامو نویسنده هوای آزاد و سارتر نویسنده درهای بسته است.» احساس پوچی نزد سارتر موجب انکار جامعه و انسان می‌شد. برعکس، کامو علیه ناتوانی پوچی می‌شورد و به انسان‌گرایی مثبت نظر دارد. با چاپ «انسان شورشی» مطبوعات افراطی به شدت علیه او موضع گرفتند. با این که کامو خطرات مارکسیسم تجدیدنظر شده به وسیله استالین را از نظر تاریخی نشان داد سارتر او را به خاطر افکار جوانی‌اش سرزنش می‌کرد. اما کامو انسان را مقدم بر ایدئولوژی می‌دانست. در «عادل‌ها» کالیایوی تروریست به خاطر حفظ جان از انجام سوءقصد منصرف می‌شود. این اختلافات عقیدتی موجب جدایی بین دو استاد اندیشه معاصر می‌شود.

آگزیستانسیالیسم دوباره توسط نویسندگان مسیحی چون گابریل مارسل، موریس مرلوبونتی و ژان گرنیه مطرح می‌شود. ژرژ بانای ۱۹۶۲ - ۱۸۹۶ علیه اضطراب پوچی (تخریب درونی ۱۹۴۳) و به وسیله جذبه اروتیک (کشیش C ۱۹۵۰ - اروتیسم ۱۹۵۷) می‌شورد.

کل ادبیات به مسئله اساسی وجود آغشته شده است. آگزیستانسیالیسم موجب شد تا بینش‌های فلسفی ساختار دراماتیک پیدا کنند و به شکل رمان نیز عرضه شوند.

پانویس‌ها:

۱. رومن گاری اندکی قبل از خودکشی‌اش رمان قابل توجهی را به نام «زندگی در مواجهه با خویش» و با نام مستعار امیل آژار چاپ کرد که درباره کودکان مهاجر است.
۲. نظریه‌ای که بر مبنای بیداری وجدان استوار است و از ابزار تجربی سود می‌برد.
۳. «تهوع» نشانه‌هایی از رمان‌های سلین دارد که از ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۶ چاپ شده بود.
۴. اولین عنوانی که ژان پل سارتر انتخاب کرد «مالیخولیا» بود. نام «تهوع» را ناشر کتاب گاستون گالیماز برگزیده است.